

An Analysis in Critique and Review of Opinions Presented About the Developments of Sirjan City, Iran, from Its Formation to the Qajar Period

Zeinab Afzali*

Department of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/08/18;

Accepted: 2021/12/06;

Published Online 2022/01/15

 [10.30699/athar.42.4.586](https://doi.org/10.30699/athar.42.4.586)

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Zeinab Afzali

Department of Archeology,
Faculty of Literature and
Humanities, University of
Tehran, Tehran, Iran

Email:

z.afzali1@ut.ac.ir

ABSTRACT

Sirjan is one of the most important cities of Kerman province, which was relocated three times in historical and Islamic periods and was founded in the present-day downtown in the Qajar period. Thus far, historians and researchers have expressed various views about the city's formation, destruction, and relocation in different periods. According to the archaeological studies, new information was obtained that is particularly important in analyzing and evaluating previous views. This study analyzes and criticizes previous views measuring them by written sources and archaeological data obtained from field research, and seeks to clarify the historical developments of Sirjan city. In fact, it aims to reject, criticize and challenge previous views about this city by pinpointing logical reasons. Owing to the importance of Sirjan city in the Islamic era and regarding the numerous views expressed about its relocations and fall, it was necessary to write this article to fill the study gaps in this field based on the latest findings.

Furthermore, this study aimed to provide new information and acceptable results about the city based on written sources and new archaeological studies by challenging the previous hypotheses. New findings explained how the formation, development, and particularly the location and relocation of Sirjan occurred in different periods showing that we must re-read the documents.

Keywords: Sirjan Plain, Old city of Sirjan, Qal'eh Sang, Bagh-e Bamid, Saeedabad

Copyright © 2022. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Afzali, Z. (2022). An Analysis in Critique and Review of Opinions Presented About the Developments of Sirjan City, Iran, from Its Formation to the Qajar Period. *Athar*, 42(4), 586-605.

مقاله پژوهشی

تحلیلی در نقد و بررسی نظرات ارائه شده در ارتباط با تحولات شهر سیرجان
از ابتدای شکل گیری تا دوره قاجار

زینب افزلی*

دانش آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵	شهر سیرجان از شهرهای مهم جنوب شرق ایران است که به لحاظ موقعیت مکانی سه بار جابه‌جا شده، تا اینکه در دوره قاجار در مرکز شهر کنونی پایه‌گذاری و به سرعت توسعه یافت. درباره شکل‌گیری، تخریب و جابه‌جایی‌های آن در دوره‌های مختلف تاکنون نظرات گوناگون و متفاوتی ارائه شده است. در بررسی‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۹۷ که با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی و به منظور سنجش تغییر و تحولات شهر سیرجان در دوره‌های مختلف صورت گرفت، اطلاعات جدیدی درباره تحولات این شهر به دست آمد که در تحلیل، نقد و ارزیابی نظرات پیشین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. پژوهش حاضر ضمن تحلیل و نقد نظرات پیشین از طریق سنجش آن آرا با منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که با استناد به چه مدارکی می‌توان به نقد نظرات پیشین در ارتباط با این شهر پرداخت؟ زیرا با توجه به نظرات متعددی که درباره جابه‌جایی‌ها و افول این شهر مطرح شده، ضرورت نوشتن این مقاله احساس شد تا خلأهای مطالعاتی در این زمینه را پر کند و از طرفی با به چالش کشیدن فرضیات پیشین، بتوان آگاهی‌هایی نو و نتایج قابل قبولی درباره این شهر به دست آورد. نتایج جدید نشان می‌دهد، برای توضیح چگونگی شکل‌گیری، توسعه و به‌ویژه مکان‌یابی و جابه‌جایی شهر سیرجان در ادوار مختلف باید به بازخوانی مدارک و مطابقت آن‌ها با داده‌های باستان‌شناسی بپردازیم.
نویسنده مسئول: زینب افزلی دانش آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران پست الکترونیک: z.afzali@ut.ac.ir	کلیدواژه‌ها: دشت سیرجان، شهر قدیم سیرجان، قلعه‌سنگ، باغ بمید، سعیدآباد

حق کپی رایت انتشار: این نشریه دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازاریابی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

افزلی زینب. (۱۴۰۰). تحلیلی در نقد و بررسی نظرات ارائه شده در ارتباط با تحولات شهر سیرجان از ابتدای شکل‌گیری تا دوره قاجار. فصلنامه علمی اثر، ۴۲(۴)، ۶۰۳-۵۸۴.

مقدمه

(2005) را به‌طور کلی شامل می‌شوند. در این میان، نظرات پژوهشگرانی همچون باستانی پاریزی، وثوقی رهبری، غضنفرپور، بختیاری، خیراندیش، مؤیدمحمسنی و سعیدیان نیز براساس منابع مکتوب نوشته شده است (Bakhtiari, 1999; Bastani Parizi, 1986; Ghazanfarpour, 1997; Kheirandish, 2005; Moayed Mohseni, 1957; Saeidian, 1993; Vosoughi Rahbari, 1993) که در واقع برداشتی از این منابع است که جزء منابع دسته دوم قرار می‌گیرند. دسته دیگر نوشته‌ها و نظراتی است که در کنار استفاده از منابع، به بررسی و کاوش پرداخته‌اند که می‌توان به بازدید سایکس (Sykes, 1957; Sykes, 1902) و رجاوند از قلعه‌سنگ (Varjavand, 1972)، فعالیت‌های ویلیامسون (Morgan & Leatherby, 1987) حاتمی (Hatami, 2001) و امیرحاجلو (Amirhajloo & Sedighian, 2020; Sohrabinya, 2018) اشاره کرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر پایه داده‌های به‌دست‌آمده از یک فصل بررسی باستان‌شناسی و منابع مکتوب تدوین شده و با تطبیق این داده‌ها با هم به تحلیل و نقد نظرات تاریخ‌نگاران و پژوهشگران قبلی پرداخته و نظرات جدید در این زمینه بیان شده است.

یافته‌های تحقیق

۱. شهر قدیم سیرجان

بقایای شهر قدیم سیرجان در کنار روستای عزت‌آباد و در ۱۱ کیلومتری جنوب شرقی شهر سیرجان فعلی قرار دارد (Karimian et al., 2019) (شکل ۱). این شهر در سده‌های اولیه اسلامی بزرگ‌ترین شهر ایالت کرمان، کرسی و مرکز مهم‌ترین راه‌های آن بوده (Al-Maqdisi, 2006; Istakhri, 1994; Khoradbeh, 1992) که دو بازار، مسجد جامع و هشت دروازه داشته است (Al-Idrisi, 2009; Al-Maqdisi, 2006). سیرجان با اینکه در دوره سلجوقی مرکز ایالت نبود، اما در این دوره یکی از چهار شهر مهم این ایالت بوده که اغلب یکی از شاهزادگان

شهر سیرجان در جنوب شرقی ایران با قرارگیری در شاهراه ارتباطی شرق به غرب جهان اسلام در سده‌های اولیه دوران اسلامی اهمیت زیادی یافت؛ تا جایی که در سده چهارم ه. ق یکی از پانزده شهر معروف به «مصرها» نام گرفت (Al-Maqdisi, 2006). تاکنون نظرات مختلفی درباره شکل‌گیری، تخریب و جابه‌جایی‌ها این شهر طی دوران اسلامی مطرح شده که این پژوهش در راستای واکاوی دقیق در منابع مکتوب و انطباق آن‌ها با یافته‌های باستان‌شناسی است. در واقع هدف، تحلیل نظرات مختلفی است که درباره شکل‌گیری، جابه‌جایی‌ها و افول شهر سیرجان داده شده تا براساس مطالعات جدید، این نظرات به چالش کشیده شوند و دلایل خود را برای رد، نقد یا پذیرش آن‌ها بیان کنیم. پرسش این است که براساس یافته‌های جدید باستان‌شناسی، روند شکل‌گیری، افول و جابه‌جایی شهر سیرجان چگونه بوده و چه دلایلی برای رد و نقد نظرات مختلفی که تاکنون ارائه شده، وجود دارد؟ و فرضیه این است که اکثر نظریات درباره این شهر را نمی‌توان پذیرفت. از آنجا که تاکنون پژوهشی هدفمند در این زمینه انجام نشده، ضرورت نوشتن این مقاله احساس شد تا خلأهای مطالعاتی در این زمینه را پر کرده و از طرفی با به چالش کشیدن نظرات قبلی، بتوان به ارائه آگاهی‌هایی نو و نتایج قابل‌قبولی در این زمینه دست یافت.

پیشینه پژوهش

در مورد شهر سیرجان و تحولات آن در ادوار مختلف نظرات گوناگونی ارائه شده که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی جای داد. دسته اول شامل نوشته‌های تاریخ‌نگاران و تاریخ‌های محلی کرمان از جمله آثار افضل کرمانی (Kermani, 1947, 1978) سمطالعی للحضره العلیا از منشی کرمانی (Monshi Kermani, 2012) حافظ ابرو در کتاب جغرافیا و زبده‌التواریخ (Hafez-e Abrou, 1999, 2001) جغرافیای کرمان از منشی کرمانی (Monshi Kermani, 2012) وزیری در کتاب‌های جغرافیای کرمان و تاریخ کرمان (Vaziri, 1973, 1998)، صحیفه‌الارشاد و تاریخ مفصل کرمان از مؤمن کرمانی و همت کرمانی (Hemmat Kermani, 1991; Mo'men Kermani, 1991)

شهر سنه ست و تسعین و خمسمائه... به کرمان رسیدم، چند شهر بزرگ دیدم چون جیرفت، زرنده، راین و سیرجان که در هر شهری از آن دویست هزار و صد هزار و پنجاه هزار آدمی بوده است (و اکنون) در بعضی دیار نبود و بعضی کم از صد تن و کم از پنجاه تن بودا^۱ (Bastani Parizi, 1988). در واقع عواملی همچون جنگ‌های شاهزادگان سلجوقی، حمله غزها، تصرف اتابکان و شبانکاره‌های فارس، قحطی و خشک‌سالی‌ها (Karimian et al., 2019) سبب شد در اواخر سده ۶ ه.ق این شهر تقریباً متروک و خالی از سکنه شود.

در آنجا حکومت می‌کرد (Kermani, 1947; Vaziri, 1973). طوسی بین سال‌های ۵۵۱-۵۶۲ ه.ق و حموی در اواخر سده ۶ ه.ق آن را جزء دو شهر بزرگ کرمان دانسته‌اند (Hamawi, 1995; Tusi Hamedani, 2003). افضل‌الدین کرمانی به سال ۵۸۴ ه.ق سیرجان را دارالملک قدیم و بنای بردسیر را جدید می‌داند (Kermani, 1978).

این شهر در سال ۵۷۵ ه.ق با حمله غزها به شهرهای کرمان، به تصرف اتابک تکه بن زنگی شاه فارس درآمد (Kermani, 1947). نویسنده جامع‌التواریخ حسنی در سال ۵۹۶ ه.ق از خالی از سکنه‌شدن شهرهایی مانند سیرجان یاد کرده و آورده: «در



شکل ۱. محوطه شهر قدیم سیرجان و روستای عزت‌آباد
منبع (Afzali, 2018)

او همین قلعه‌سنگ بوده (Meskawayh, 1997)؛ زیرا وزیری ذکر کرده که قبل از اسلام این قلعه آباد و در زمان آل‌الباس، آل‌بویه، سلجوقیان و غیره نگهبان داشته و از متحصن شدن ابونصر دیلمی در آنجا یاد می‌کند (Vaziri, 1998). افضل‌الدین کرمانی از این قلعه و آبادبودن آن به سال ۵۸۴ ه.ق نام می‌برد که در زمان ارسلان‌شاه سلجوقی چند بار تعمیر شده است (Kermani, 1978). همچنین در رساله دهات کرمان آمده که در نزدیکی قلعه‌سنگ شهری بزرگ بوده که ارگ حکومتی آن شهر را بالای این سنگ ساخته‌اند (Vaziri, 1998) که نشان از وجود ارگ حکومتی خارج از

۲- محوطه قلعه‌سنگ

۲-۱- قلعه‌سنگ از سده‌های اولیه اسلامی تا

حکومت قراختاییان

محوطه قلعه‌سنگ در ۳ کیلومتری غرب شهر قدیم سیرجان قرار گرفته است. در سده‌های اولیه اسلامی این قلعه در بیرون حصارهای شهر و در حاشیه غربی آن قرار داشت؛ زیرا ابوریحان بیرونی در اوایل سده ۵ ه.ق از آن به نام قلعه بیضا در یک فرسنگی سیرجان نام می‌برد (Abu Rayhan al-Biruni, 1975). مسکویه در جنگ پسران ابن‌الباس می‌نویسد «... سلیمان به دژ نشست...» که به احتمال منظور

شبانکاره‌ها بگیرند و چهارپایان برای حمل اسباب و اثاثیه آن‌ها به «در شهر سیرجان» حاضر کنند (Tarikh- i- Shahi, 1977) که نشان‌دهنده سیرجان در موقعیت دوم (قلعه‌سنگ) و اطراف آن بوده است. امیرحاجلو قلعه‌سنگ را مربوط به «مرحله سوم حیات شهر از سده ششم ه.ق تا اوایل دوره تیموری» می‌داند که برای سومین بار شهر جابه‌جا شده است (Sohrabinya, 2018)، ولی باید گفت قلعه‌سنگ به‌عنوان دومین مرحله از حیات شهری سیرجان است که از سده ۷ ه.ق تا اواخر سده ۹ ه.ق را در برمی‌گیرد (شکل‌های ۲-۳).

در اوایل دوره قراختائیان جنگ‌های براق‌حاجب و قتلغ‌سلطان تلاش‌هایی برای بازپس‌گیری سیرجان از ملوک شبانکاره بود که به نتیجه نرسید (Hafez-e Abrou, 1999; Tarikh- i- Shahi, 1977)، اما در سال ۶۶۸ ه.ق با شکایت ترکان‌خاتون به دربار آباقاخان توانست این منطقه و شهر آن را از شبانکاره‌ها پس بگیرد (Monshi Kermani, 2015; Tarikh- i- Shahi, 1977) از سال ۵۷۵ ه.ق که اوضاع سیرجان به‌دلیل حمله غزها نابسامان شد، تا سال ۶۶۸ ه.ق که حکم حکومت به قراختائیان رسید، این شهر و ولایت آن وضعیت مناسبی نداشت؛ زیرا یا بین اتابکان فارس و شبانکارگان دست به دست می‌شد یا در زمان قراختائیان مورد حمله قرار می‌گرفت. شکوفایی سیرجان بعد از سلجوقیان، از زمان بازپس‌گیری آن توسط ترکان‌خاتون آغاز و از این زمان به بعد در موقعیت دوم خود اهمیت و گسترش یافت.

شهر دارد، اما اهمیت گرفتن آن را باید هم‌زمان با دوره سلجوقی به‌خصوص اواخر این دوره دانست؛ زیرا علاوه بر اطلاعات منابع مکتوب، داده‌های باستان‌شناسی نیز گویای اهمیت گرفتن آن است؛ چنان‌که بیش از ۲۰ درصد مجموع کل سفال‌های قلعه‌سنگ مربوط به این دوره است (Karimian et al., 2019) (شکل ۵). احتمالاً از اواخر دوره سلجوقی، جنگ‌های پیاپی و مداوم جانشینان طغرل و حمله غزها و همچنین دست‌اندازی‌های ملوک فارس سبب شد که این مکان به‌عنوان استقرار دفاعی اهمیت دوچندان یابد. با حمله غزها به شهر سیرجان و غارت و بی‌آب‌کردن آن (Monshi Kermani, 2015) احتمالاً بسیاری از مردم به‌دلیل جنگ‌های متوالی کشته یا مهاجرت کردند که همین سبب از رونق افتادن شهر قدیم شد، تا جایی که به سال ۵۹۶ ه.ق منابع شهر قدیم را خالی از سکنه دانسته‌اند (Bastani Parizi, 1988). از طرف دیگر با تصرف سیرجان توسط اتابکان و شبانکاره‌ها آن‌ها در قلعه‌سنگ اسکان یافتند؛ زیرا در جایی از تاریخ شاهی آمده که ملوک شبانکاره زمانی که ترکان‌خاتون از آن‌ها برای گرفتن ایالت سیرجان به دربار خان مغول شکایت کرد، گفته بودند که سیرجان «... با قلعه‌ای خراب بود، ما آن را عمارت کرده‌ایم و طافیات سایحه گردانیده‌ایم» و در جایی دیگر آورده که شبانکارگان پنجاه سال است در این قلعه سکونت دارند (Tarikh- i- Shahi, 1977). همچنین در زمان بازپس‌گیری توسط ترکان‌خاتون دستور داد که اول شهر و قلعه را از



شکل ۲. عکس هوایی قلعه سنگ و دو حصار آن
منبع (Afzali, 2018)



شکل ۳. برج‌ها، دروازه شرقی و قسمت‌هایی از حصار قلعه سنگ
منبع (Afzali, 2018)

بزرگ کرمان معرفی و آورده «... در اندرون شهر قلعه‌ای محکم بر روی سنگی بلند قرار دارد» (Hafez-e Abrou, 1999) که طبق این نوشته‌ها مشخص می‌شود که سیرجان در موقعیت دوم، در اطراف قلعه‌سنگ و حول محور آن قرار داشته است.

۲-۳- شهر و قلعه‌سنگ سیرجان پس از تصرف توسط لشکریان تیمور گورگانی

بسیاری از تاریخ‌نگاران و پژوهشگران متروک‌شدن قلعه‌سنگ را پس از تصرف آن توسط لشکریان تیمور می‌دانند که مردم آن در جای دیگری استقرار یافته‌اند، اما در منابع اطلاعات زیادی از شهر و قلعه آن آورده شده که می‌تواند در رد نظر کسانی باشد که به متروک‌شدن این محوطه بعد از تصرف توسط لشکریان تیمور و انتقال شهر به جای دیگری تأکید دارند. در ادامه مهم‌ترین وقایعی که بعد از تصرف قلعه و شهر سیرجان رخ داده، آورده می‌شود.

چند سال بعد از حمله و تصرف قلعه‌سنگ توسط قوای تیمور گورگانی، دوباره به سال ۸۱۴ ه.ق امیرزاده اسکندر تیموری به شهر سیرجان حمله و آن را تصرف کرد، مردم شهر را رها کرد و آنها و به قلعه‌کوه پناه بردند (Abd-al-Razzaq Samarqandi, 2004; Hafez-e Abrou, 2001) منظور از قلعه‌کوه همان «قلعه‌سنگ» است. از این واقعه دو نکته مهم قابل درک است؛ یکی نام‌بردن از شهر سیرجان و تصرف آن در همان محلی قبلی و همچنین اهمیت

۲-۲- محوطه قلعه‌سنگ از سال ۶۶۸ تا اواخر

سده نهم ه.ق

براساس منابع، شهر و قلعه‌سنگ سیرجان در دوره قراختایی از اهمیت زیادی برخوردار و یکی از چهار شهر بزرگ کرمان بوده است (Tarikh- i- Shahi, 1977) و با واگذاری حکومت سیرجان به مولانا تاج‌الحق و پسرش به سال ۶۹۵ ه.ق و ساخت دارالضرب، دارالنقد، مدرسه و خانقاهی در آنجا (Hafez-e Abrou, 1999; Monshi Kermani, 2015) این شهر اهمیت بیشتری یافت. داده‌های به‌دست‌آمده مربوط به سده ۷ و ۸ ه.ق نیز گویای شکوفایی این محوطه است؛ زیرا شناسایی گونه‌های مختلف سفال لاجوردینه، زرین‌فام، نقاشی زیرلعاب، قلم مشکی و کاشی‌های زرین‌فام از نمونه‌های شاخص این دوره هستند (Karimian et al., 2019). در دوره آل مظفر شهر و قلعه‌سنگ سیرجان به سال ۷۴۴ ه.ق که در دست عمادالملک پسر مولانا شمس‌الدین صائین بود، به تصرف امیرمبارزالدین مظفری درآمد (Katbi, 1985). از این زمان تا سال ۷۹۵ ه.ق که شاهزادگان مظفری به دست تیمور گورگانی قتل عام شدند، حکومت سیرجان در دست آنها بود. حمدلله مستوفی در سده ۸ ه.ق سیرجان را جزء یازده شهر مهم ایالت کرمان نامید که در قسمت داخلی شهر قلعه‌ای مستحکم وجود داشته (Mustawfi, 2017) و حافظ ابرو نیز آن را دومین شهر

به کمک آن‌ها آمد که آورده «... مردم آنجا ایشان را مدخل ندادند...»؛ بنابراین آنجا را غارت کردند و محصولات کشاورزی را آتش زدند و مردم زیادی را اسیر کردند. دوباره بین سال‌های ۸۵۵ و ۸۵۶ ه.ق جلال‌الدین قلدرویش به سیرجان آمد و در این زمان پسر علی دلدلی به‌جای پدر کوتوال قلعه سیرجان بود. لشکر او قلعه را محاصره و با حيله‌ای نگهبانان قلعه را بی‌هوش کردند و توانستند قلعه را تسخیر کنند (Yazdi, 1987).

همچنین در سال ۸۵۷ ه.ق، امیر شیخ بهلول و امیر مرادقلی از امیران میرک شیروانی با لشکری به سیرجان حمله کردند و چون در آن زمان بزرگان شهر حضور نداشتند، آنجا را غارت کردند و مولانا قاضی بهشت سیرجان را کشتند (Yazdi, 1987) و باز در سال ۸۵۸ ه.ق سلطان سنجر تیموری به سیرجان حمله و دستور غارت آن ولایت را داد که «... لشکر آتش آشوب برافروختند و منجنیق خوف و هراس بر باره و اساس قلعه ثبات یار احمد قناشیرین کارگر آمده...» (Rumlu, 1970).



شکل ۱، ۲ و ۳ سکه‌های تیمورگورکانی و ۴ سکه شاهرخ تیموری با ضرب سیرجان (مجموعه شخصی اسدی‌زیدآبادی)

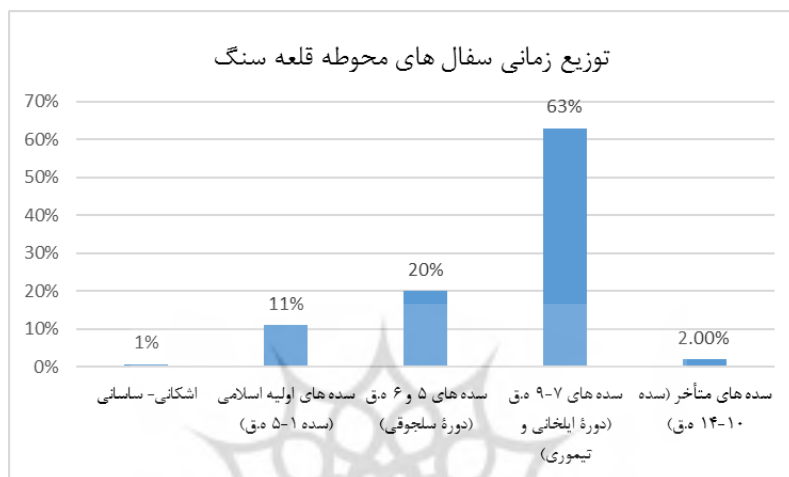
استحکام و نفوذناپذیری قلعه‌سنگ در این زمان می‌کند که لشکر قدرتمند آق‌قویونلو توانست با یک حمله آن را فتح کنند و در ادامه آورده «امرای عظام آق‌قویونلو سالم‌اً غانماً رجوع کردند و برجسب فرمان همایون قلعه سیرجان و قلعه کرمان را که از ثغور آن بلاد بودند و مدخل فتنه و فساد، مَقْمُوعُ الْأَثَرِ و مَقْلُوعُ السَّقُوفِ وَ الْجُدْرُ ساختند» (Rouzbehaneh Esfahani, 2003). از این تاریخ به بعد دیگر نامی از حیات شهر و قلعه سیرجان در منابع مکتوب به میان نمی‌آید که نشان‌دهنده این است که این محوطه در اواخر سده نهم ه.ق از رونق افتاده و داده‌های باستان‌شناسی نیز آن

قلعه‌سنگ که نزدیک به ۱۶ سال بعد از خرابی توسط لشکریان تیمور از زندگی در قلعه و مردم این شهر اطلاعاتی در منابع آمده است؛ زیرا در این متن آورده شده که عده‌ای را به پرکردن خندق و خراب‌کردن دیوار قلعه گماشته است و باز به سال ۸۱۸ ه.ق شاهرخ تیموری به سیرجان آمده و به محاصره قلعه می‌پردازد و با لشکر او انواع لوازم قلعه‌گیری همچون چپر، منجنیق و عراده بوده است (Hafez-e Abrou, 2001). آوردن وسایل قلعه‌گیری و محاصره قلعه در این زمان خود گویای ادامه حیات آن بوده است. سکه‌هایی نیز از تیمور و شاهرخ تیموری با ضرب سیرجان به دست آمده است (شکل ۴). بین سال‌های ۸۵۵ تا ۸۵۷ ه.ق سیرجان و قلعه آن در دست شاهزادگان تیموری بوده است. در سال ۸۵۵ ه.ق به دستور میرک‌سفجه، پیرعلی داماد او به سیرجان حمله و بسیاری از بزرگان سیرجان را اسیر و خزاین را به تصرف درمی‌آورد (Yazdi, 1987). همین سال امیر قلدرویش و امیر پیرمحمد از کرمان به سیرجان آمدند و نتوانستند قلعه را تصرف کنند و از طرف حاکم کرمان، میرلیاس با لشکری

اما آخرین باری که در منابع نامی از قلعه‌سنگ آورده شده به سال ۸۸۴ ه.ق است که از آمدن میرزا ابابکر به همراه ابراهیم بن محمد جهانشاه قراقویونلو به کرمان و متحدشدن با پیرعلی پسر علی‌شکر یاد کرده‌اند. در این زمان علی‌خان‌بیک جهانگیر والی سیرجان فرار کردند و این ایالت به تصرف قراقویونلوها درمی‌آید. سلطان یعقوب آق‌قویونلو، بایندر بیک و صوفی خلیل‌بکتاش را با لشکری به دفع آنها می‌فرستد که چون قدرت مقابله نداشته، فرار کرده و زن، بچه و دارایی‌های خود را در قلعه سیرجان می‌گذرانند (Rumlu, 1970; Tatavi, 1999). روزبهان اصفهانی اشاره به

و بعد از آن متروک شده؛ تا آنجا که عکسی به جای مانده از سایکس در دوره قاجار این محوطه را به‌طور کامل متروک نشان می‌دهد (شکل ۷).

را تأیید می‌کنند؛ زیرا علاوه بر منابع مکتوب، وجود سفال‌های آبی و سفید و تعدادی کاشی معرق دوره تیموری نشان‌دهنده آن است که این محوطه تا اواخر سده نهم ه.ق رونق داشته است شکل ۶، شماره‌های ۱۶ تا ۲۱ و جدول ۲)



(شکل ۵). نمودار آماری توزیع زمانی سفال‌های محوطه قلعه سنگ
منبع (Afzali, 2018)



(شکل ۶) شماره‌های ۱۶-۲۱: آبی و سفید (قلعه‌سنگ) ۲۲-۲۹: آبی و سفید ۳۰-۳۲: رنگارنگ کرمان ۳۳-۳۴: کوباجه (باغ بمید)
(منبع: نگارنده)

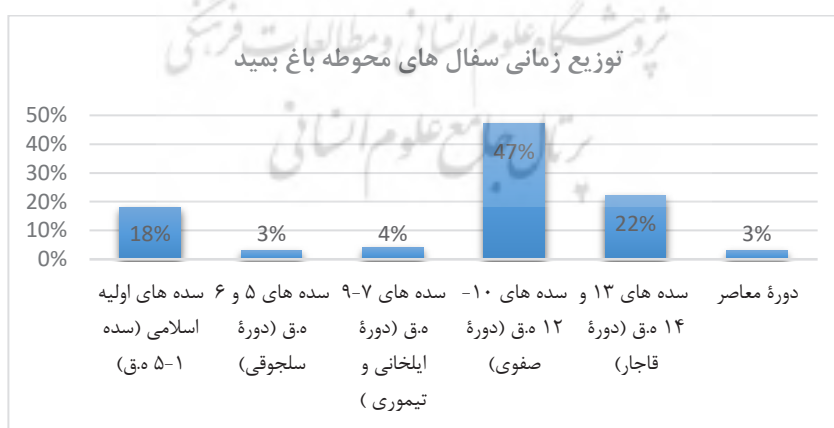


شکل ۷. قلعه‌سنگ از تصاویر آرشیوی سایکس به سال ۱۹۰۰ م. در موزه بریتیش میوزیوم (research.britishmuseum.org)

۳- محوطه باغ بمید

یکی از محوطه‌های استقرار مهم در ارتباط با روند تحولات شهر سیرجان، محوطه باغ بمید در شمال غربی شهر کنونی سیرجان است. این محوطه برای اولین بار در بهار سال ۱۳۹۷ شناسایی و بررسی شد (Afzali et al., 2019) هرچند در منابع سده‌های اولیه اسلامی و دوره قاجار کم و بیش به آن پرداخته شده، ولی از آنجا که بعد از تصرف و خرابی قلعه سنگ و شهر سیرجان توسط لشکریان تیمور اظهار نظرهای متفاوتی از سوی پژوهشگران درباره انتقال به باغ بمید یا استقرار در محوطه قلعه‌سنگ تا اواخر دوره صفویه شده، شناسایی این محوطه نشان داد که بسیاری از این نظرات قابل پذیرش نیست. از این محوطه، انواع سفال‌های سده‌های اولیه، میانی و متأخر اسلامی به دست آمد که سفال‌های سده‌های متأخر با ۷۷/۳۴ درصد بیشترین سفال‌های این محوطه را شامل می‌شوند (Karimian et al., 2019). (شکل ۸). به دست‌آمدن داده‌های متنوعی از دوره‌های مختلف در باغ بمید نشان می‌دهد که این محوطه یکی از کلیدی‌ترین محوطه‌های شاخص در باب تغییر و تحولات شهر سیرجان بعد از رونق افتادن و ویرانی محوطه قلعه‌سنگ در اواخر سده نهم ه.ق بوده و جواب‌گوی ابهامات در این باره است (شکل‌های ۹ و ۱۳).

در منابع دوره صفوی اطلاعات زیادی درباره شهر سیرجان وجود ندارد. مرعشی صفوی در ذکر اتفاقات سال ۱۱۳۳ ه.ق و آمدن محمود افغان و همچنین قیام احمد صفوی از شهر میمند نام برده (Marashi Safavi, 1983) که باستانی پاریزی میمند را همان باغ بمید سیرجان می‌داند (Bastani Parizi, 1998). این شهر در هجوم افغان‌ها خراب می‌شود (Vosoughi Rahbari, 1993). در بررسی‌های پیمایشی محوطه باغ بمید سفال‌های زیادی مربوط به سده‌های متأخر اسلامی به دست آمد و با توجه به گستردگی ۳۰۰ هکتاری محوطه نشان از استقرار مهم در این منطقه از دشت سیرجان طی سده‌های ۱۰ تا ۱۴ ه.ق دارد (Karimian et al., 2019). از آنجا که منابع اطلاعات چندانی از سیرجان در دوره صفویه ارائه نمی‌کنند، داده‌های باستان‌شناسی از جمله انواع سفال‌های شاخص دوره صفوی همچون سفال‌های آبی و سفید، رنگارنگ کرمان و کوباچه که کاملاً قابل مقایسه با سفال‌های شهرهای مهمی مانند کرمان، یزد، مشهد و اصفهان نشان می‌دهند که در اطراف امامزاده احمد یک محوطه استقرار مهم از سده‌های متأخر اسلامی وجود داشته است. شکل ۶ شماره‌های ۲۲ تا ۳۴ و جدول ۲).



شکل ۸. مدار آماری توزیع زمانی سفال‌های محوطه باغ بمید
منبع (Afzali, 2018)

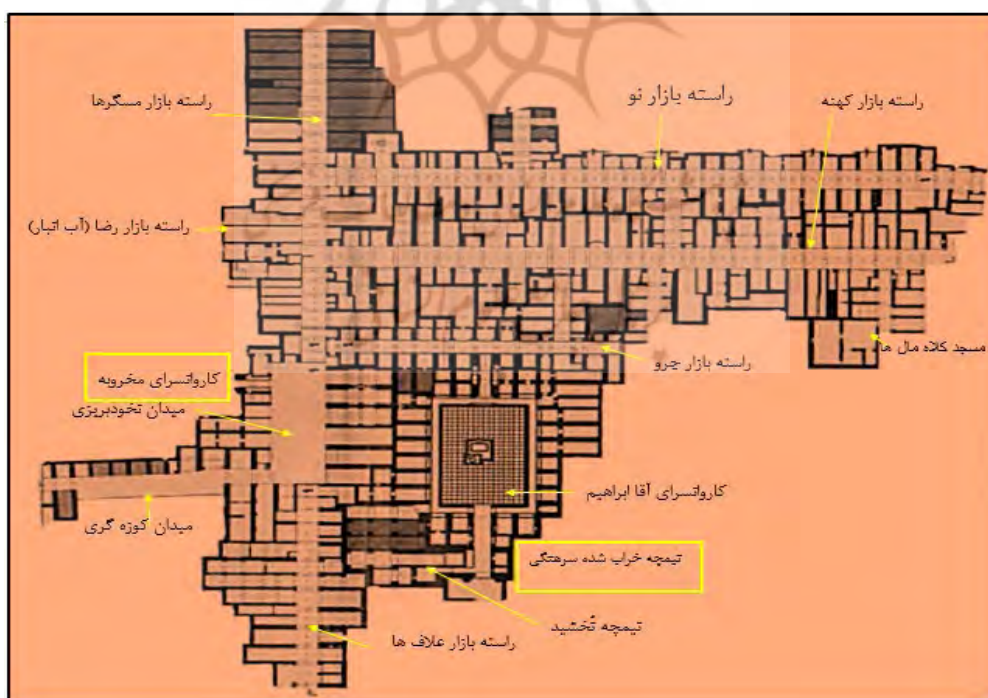


شکل ۹. بررسی پیمایشی فشرده زمین‌های شمال امامزاده احمد در محوطه باغ بمید
منبع (Afzali, 2018)

۱۲۹۱ ه.ق دارالملک و شهر مهم ولایت سیرجان بوده است (Vaziri, 1998). با توجه به گفته‌های وزیری می‌توان گفت میرزا سعیدخان در حدود سال ۱۲۱۱ ه.ق سعیدآباد را آباد کرده است. بررسی‌های میدانی که در بافت شهر سیرجان انجام شده، مشخص ساخت که شهر دوره قاجار در بخش مرکزی شهر کنونی و در مجموعه بازار و اطراف آن در دوره قاجار شکل گرفته است (شکل ۱۰).

سیرجان (سعیدآباد) در دوره قاجار

سعیدآباد بعد از شورش افغان‌ها و خرابی باغ بمید، توسط میرزا سعیدخان کلانتر در نزدیکی آن ساخته شد (Sykes, 1957) در سال ۱۲۶۷ ه.ق سعیدآباد مرکز ولایت سیرجان بوده است (Monshi Kermani, 2012). وزیری بنانهاندن سعیدآباد را مربوط به ۸۰ سال قبل از نوشتن کتاب خود ذکر کرده و چون بر سر راهها بود، به‌مرور آباد شده و در سال



شکل ۱۰ مجموعه بناهای بازار تاریخی سیرجان
منبع (Afzali, 2018)

بحث

تحلیل و نقد نظرات مرتبط با شکل‌گیری، توسعه و افول شهر قدیم سیرجان

برخی از پژوهشگران مانند سایکس و لسترنج قلعه‌سنگ را همان کرسی‌نشین ایالت کرمان در دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی می‌دانند (Le Strange, 1957; Sykes, 2006) که از آن شهر قدیم، تنها قلعه و منبر آن باقی مانده (Bastani Parizi, 1986) و افراد دیگری نیز نظر آن‌ها را تکرار کرده‌اند^۳، اما ویلیامسون^۳ با پژوهش‌هایی که انجام داد، یک محوطه بزرگ در ۶ کیلومتری^۴ شرق این قلعه شناسایی کرد که براساس داده‌های فرهنگی، وسعت و موقعیت آن را همان مکان شهر قدیم سیرجان دانست که جغرافی‌دانان اوایل اسلام از آن نام برده‌اند (Morgan & Leatherby, 1987) حاتمی نیز تأکید کرده کسانی که تا امروز جسته و گریخته بررسی‌هایی در این منطقه انجام داده‌اند، شهر قدیم را در قلعه‌سنگ خلاصه کرده‌اند و به شهر اصلی که در سه کیلومتری شرق قلعه است، پی نبرده‌اند (Hatami, 2001). در رد نظر کسانی مانند سایکس، لسترنج و باستانی‌پاریزی باید گفت قلعه‌سنگ در سده‌های اولیه به‌عنوان ارگ حکومتی شهر قدیم در خارج از آن قرار داشته (Karimian et al., 2019) و محوطه شهر قدیم سیرجان، همان مرکز ایالت کرمان با وسعتی بالغ بر ۲۲۰ هکتار در کنار روستای عزت‌آباد قرار دارد که منابع به فراوانی از آن یاد کرده‌اند و ویلیامسون و حاتمی پژوهش‌های میدانی در آن انجام داده‌اند و تأکید کرده‌اند که اینجا همان محل شهر سیرجان در سده‌های اولیه اسلامی بوده است. همچنین فراوانی و گونه‌های مختلف سفال‌های ساسانی و اسلامی نشان از شهری بزرگ و باشکوه در این محل دارند (شکل ۱۱ و جدول ۱).

با اتکا به شواهد باستان‌شناسی و به دست آمدن تعدادی سفال مربوط به دوره اشکانی احتمالاً این محوطه

در این دوره شکل گرفته است (Karimian et al., 2019) (شکل ۱۱، شماره‌های ۱-۳ و جدول ۱). یکی از نظرات درباره شکل‌گیری شهر، توسط امیرحاجلو مطرح شده که «این شهر در پنج مرحله شکل گرفته که مرحله نخست شکل‌گیری شهر مربوط به دوره ساسانی و شهری کوچک پیرامون شاه‌فیروز و قلعه‌یحیی^۵ است و مرحله دوم حیات شهر قدیم سیرجان، بازه زمانی صدر اسلام تا سده ۶ ه.ق را در برمی‌گیرد که در این مرحله شهر اولیه کمی جابه‌جا شده و شهری گسترده، بزرگ و پراهمیت در قلعه کافر شکل گرفته است» (Sohrabinya, 2018). این نظر از چند جهت قابل نقد است؛ زیرا از یک طرف سفال‌های دوره ساسانی تپه شاه‌فیروز کاملاً قابل مقایسه با سفال‌های شهر قدیم هستند و می‌توان گفت در آن زمان بناهایی روی بستر صخره‌ای این تپه وجود داشته که در ارتباط با شهر قدیم سیرجان بوده، نه براساس نظر امیرحاجلو که هسته اولیه شهر اطراف محوطه شاه‌فیروز شکل گرفته باشد و بعد در دوره اسلامی به شهر قدیم منتقل شود. از طرفی با به دست آمدن سفال‌های منتسب به دوره اشکانی، به لحاظ تاریخی نیز این محوطه به یک دوره قبل‌تر از دوره ساسانی برمی‌گردد و باید گفت هسته اولیه در خود شهر قدیم شکل گرفت و در دوره ساسانی و اسلامی توسعه یافته است (Afzali et al., 2019; Karimian et al., 2019). همچنین ویلیامسون وسعت دوره ساسانی این شهر را ۳۰ هکتار تخمین زده (Morgan & Leatherby, 1987) و حاتمی نیز در جنوب قلعه علی‌آباد گمانه‌هایی زد که در ۳۰ سانتی‌متری به خاک بکر رسیده است (Hatami, 2001) بنابراین براساس بررسی‌های باستان‌شناسی نگارنده، پژوهش‌های ویلیامسون و گمانه‌زنی حاتمی در اطراف قلعه علی‌آباد نظر امیرحاجلو مبنی بر شکل‌گیری شهر ساسانی سیرجان در اطراف قلعه علی‌آباد و شاه‌فیروز را نمی‌توان پذیرفت.



شکل ۱۱ گروه‌های سفالی شهر قدیم سیرجان ۱-۳: اشکانی ۹-۴: ساسانی ۱۰-۱۱: قالی ۱۳-۱۲: زرین فام ۱۵-۱۴: قالبی لعابدار فیروزه‌ای (Writer, 2021)

جدول ۱. گاه‌نگاری و مقایسه سفال‌های محوطه شهر قدیم سیرجان

شماره	گونه	محل مورد مقایسه	تاریخ‌گذاری	منبع
۱	قرمز ساده بی‌لعاب	قروه، تپه بالان سردشت، چابهار	اشکانی	(Mafi et al., 2009; Mehr Afarin et al., 2013; Salimi et al., 2020)
۲	قرمز ساده بی‌لعاب	قروه، قلعه یزدگرد، سیستان	اشکانی	(Khosrowzadeh et al., 2020; Mafi et al., 2009; Roustaei, 2013)
۳	قرمز ساده بی‌لعاب	تپه بالان سردشت، سیستان	اشکانی	(Roustaei, 2013; Salimi et al., 2020)
۴	قرمز با نقش افزوده	حاجی‌آباد، فیروزآباد	ساسانی	(Azarnoush, 1994; Montazer Zohori, 2015)
۵	نخودی ساده بی‌لعاب	سیرم‌شاه- جنوب ایران، حاجی‌آباد	ساسانی	(Mohammadifar & Tahmasebi, 2015; Priestman, 2013)
۶	نخودی با نقش کنده	حاجی‌آباد	ساسانی	(Azarnoush, 1994)
۷	نخودی ساده بی‌لعاب	تل قلعه اسطور، فیروزآباد، سیرم‌شاه	ساسانی	(Afzali et al., 2019; Mohammadifar & Tahmasebi, 2015; Montazer Zohori, 2015)
۸	نخودی- نارنجی	ملیان، تل قلعه اسطور	ساسانی	(Afzali et al., 2019; Alden & Balcer, 1978)
۹	نارنجی- قرمز با نقش کنده	فارسان، حاجی‌آباد	اشکانی- ساسانی	(Azarnoush, 1994; Babamir Satahi & Hashemi, 2016; Roustaei, 2013)
۱۰	قالبی	جیرفت	۵-۶ ه.ق	(Choobak, 2012)
۱۱	قالبی	جیرفت، تل قلعه اسطور، جنوب ایران	۵-۷ ه.ق	(Afzali et al., 2019; Choobak, 2005; Priestman, 2013)
۱۲	زرین فام	غبیرا- کاشان	۶-۷ ه.ق	(Bivar et al., 2000; Grube, 2005)
۱۳	زرین فام	غبیرا، جنوب ایران	۶-۷ ه.ق	(Bivar et al., 2000; Priestman, 2013)
۱۴	تک‌رنگ فیروزه‌ای	ایران	۶ ه.ق	(Grube, 2005)
۱۵	فیروزه‌ای قالبی	جیرفت- ایران، جنوب ایران	۶-۷ ه.ق	(Choobak, 2012; Priestman, 2013; Watson, 2004)

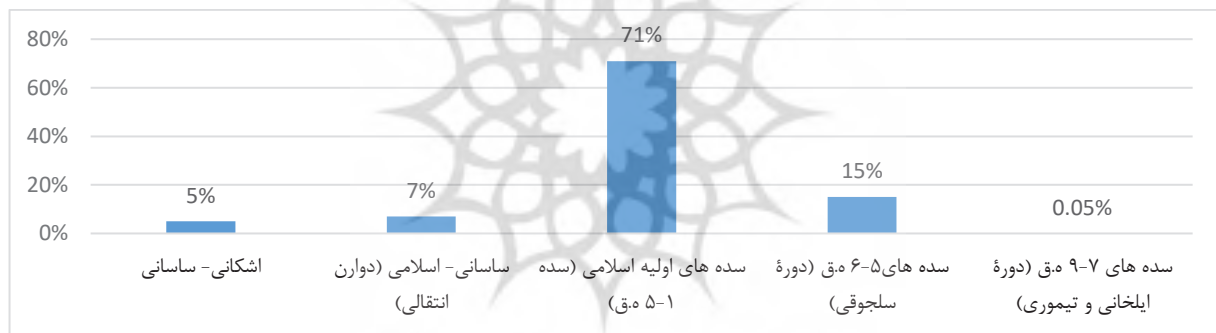
منبع (Writer, 2021)

ه.ق به صورت شهری قحطی‌زده، ویران و بی‌ارتباط با سایر مراکز هنری و صنعتی درآمد است (Hatami, 2001). ویلیامسون نیز عقیده دارد، انتخاب بردسیر و جیرفت به‌عنوان پایتخت‌های سلجوقیان کرمان تا حدودی باعث انزوای سیرجان

حاتمی درباره افول شهر قدیم سیرجان آورده که در اوایل دوره سلجوقی، راه‌های تجاری از سیرجان به جیرفت تغییر کرد و سبب انزوای این شهر شد و از اوایل دوره سلجوقی رکودی عظیم در آثار هنری و صنعتی سیرجان ایجاد شده و در سده ۶

محوطه در دوره سلجوقی پذیرفت (شکل ۱۲) (Karimian et al., 2019). از طرف دیگر، در رد این نظر منابع تاریخی نیز با داده‌های باستان‌شناسی هم‌خوانی دارند و از این شهر در منابع تاریخی به‌عنوان یکی از چهار شهر مهم ایالت کرمان نام برده‌اند که در بالا به آن‌ها اشاره شد. ویلیامسون نیز به ترک این محوطه در سده ۵ ه. ق اشاره کرده که فقط قسمتی از آن در دوره سلجوقی و بعد از آن مسکون بوده (Morgan & Leatherby, 1987)، اما سفال‌های دوره سلجوقی از نقاط مختلف محوطه به دست آمده، نه بخش خاصی و منابع نیز اشاره‌ای بر ترک شهر در سده ۵ ه. ق نداشته‌اند، بلکه به متروک شدن آن در اواخر سده ۶ ه. ق اشاره کرده‌اند (Bastani Parizi, 1988)؛ بنابراین این شهر نه در سده ۵ ه. ق، بلکه در اواخر سده ۶ ه. ق از رونق افتاده است (شکل ۱۳).

شد و ابعاد آن در دوره سلجوقی کاهش یافت و هرگز موقعیت قبلی خود را به دست نیاورد. وی از این محوطه تعدادی قطعه گچ‌بری به دست آورد که معتقد است قابل مقایسه با گچ‌بری‌های سده ۶ و ۷ ه. ق هستند که به همراه سفال‌های دوره سلجوقی مدت‌ها پس از ترک محوطه در سده ۵ ه. ق در این مکان مسکون بوده‌اند (Morgan & Leatherby, 1987). با بررسی‌های که در شهر قدیم صورت گرفت، گونه‌های شاخص از جمله انواع سفال‌های قالبی، زرین‌فام، فیروزه‌ای و لاجوردی (با خمیره شبه‌چینی) از محوطه به دست آمد که نشان‌دهنده استمرار این محوطه در دوره سلجوقی است (شکل ۱۱ شماره‌های ۱۰ تا ۱۵) و از مجموع کل سفال‌های به دست آمده محوطه بیش از ۱۵ درصد آن‌ها مربوط به سده‌های ۵ و ۶ ه. ق است و این نشان می‌دهد که نمی‌توان نظر حاتمی را مبنی بر رکود عظیم این



شکل ۱۲. نمودار آماری توزیع زمانی سفال‌های شهر قدیم سیرجان - منبع (Afzali, 2018)

شکل ۱۳. موقعیت‌های شکل‌گیری و جابه‌جایی‌های

شهر سیرجان از ابتدا تاکنون

۱. شهر قدیم سیرجان از شکل‌گیری تا سده ۷ ه. ق
۲. شهر سیرجان (محوطه قلعه سنگ) سده ۷ تا اواخر سده نهم ه. ق
۳. محوطه باغ بمید سده ۱۰ تا ۱۳ ه. ق
۴. شهر سیرجان (سعیدآباد) از سده ۱۳ ه. ق تاکنون

منبع (Google Earth)



و می‌نویسد بعد از وبایی که در میان محافظان و نگهبانان قلعه‌سنگ شایع شد، قلعه فتح و شهر به محل جدیدی که برای مقر حکومت ساختند و آن را شهر «بی‌امید» می‌نامد، منتقل شد (Sykes, 1957). در رد نظر حافظ ابرو و سایکس باید گفت که احتمال دارد که تعدادی از مردم سیرجان در آن زمان در باغ بمید استقرار یافته باشند، ولی نمی‌توان این تاریخ را با متروک شدن قلعه‌سنگ هم‌زمان دانست؛ زیرا همان‌طور که در مطالب بالا ذکر شد، از سال ۷۹۸ تا ۸۸۴ یعنی نزدیک به ۸۶ سال به کرات از شهر سیرجان و قلعه‌سنگ در همان موقعیت قبلی نام برده شده و نمی‌توان نظر وی و کسانی که نظر او را تکرار کرده‌اند، در این زمینه پذیرفت و از طرف دیگر برخلاف منابع مکتوب که از قلعه‌سنگ و شهر سیرجان تا اواخر سده نهم ه.ق در موقعیت دوم به کرات نام برده‌اند، از شهر یا محوطه باغ بمید هیچ نامی به‌عنوان موقعیت جدید شهر سیرجان در این دوره برده نشده است.

منشی کرمانی در دوره قاجار درباره وضعیت قلعه‌سنگ آورده که در زمان تیمور شهری بزرگ و ارگی مستحکم در اینجا بوده که بعد از مدتی محاصره شهر خراب، و «ظاهراً بعد از خرابی آن شهر یک دفعه دیگر همان سنگ را قلعه ساخته‌اند و باز خراب شده» (Monshi Kermani, 2012). براساس منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی تا حدودی نظر منشی کرمانی قابل قبول است، ولی تاریخ درستی درباره خرابی آن بیان نکرده؛ زیرا براساس منابع بعد از تصرف توسط لشکریان تیمور این محل چندین بار مورد حمله شاهزادگان تیموری، قراقویونلوها و برای آخرین بار آقویونلوها قرار می‌گیرد. از نظرات دیگر، دو نظر متفاوت وزیر است که یکی را در کتاب جغرافیای کرمان بیان کرده که این قلعه تا اواخر صفویه حیات داشته و بعد از آن متروک شده (Vaziri, 1998) و دیگری در کتاب تاریخ کرمان آمده که بعد از سه سال محاصره، قلعه‌سنگ و شهر سیرجان به تصرف لشکریان تیمور درآمد. قریب ۵ هزار آدمی اسیر و قلعه و شهر به فرمان ایدکو به کلی تخریب شد و دستور داد که شهر از محل سابق به محل باغ بمید منتقل شود و شهر سعیدآباد پدید آمد و بدین طریق اثر یک شهر چند هزار ساله از صفحه زمین زدوده شد (Vaziri, 1973). در ارتباط با نظر اول وزیر باید گفت که هم

تحلیل نظرات درباره محوطه قلعه‌سنگ بعد از تصرف

لشکریان تیمور گورکانی

در اینجا به تجزیه و تحلیل نظراتی که درباره جابه‌جایی شهر از محوطه قلعه‌سنگ به باغ بمید مطرح شده، می‌پردازیم؛ زیرا شناسایی محوطه باغ بمید در بررسی‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۹۷ (Afzali & Ebrahimi Edehlo, 2019) کمک زیادی به رد و نقد این نظرات کرد. پژوهشگرانی مانند باستانی پاریزی و وثوقی رهبری و دیگران به جابه‌جایی‌های سیرجان طی دو یا سه مرحله اشاره کرده‌اند (Bastani Parizi, 1986; Vosoughi, 1993)، اما زمان این جابه‌جایی‌ها به‌خصوص از موقعیت دوم (قلعه‌سنگ) به موقعیت سوم (باغ بمید) با نقدهایی روبه‌روست که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم. با توجه به بررسی‌های میدانی و مطابقت با منابع مکتوب شهر سیرجان به‌طور کلی چهار جابه‌جایی داشته است (شکل ۱۳) (Afzali & Ebrahimi Edehlo, 2019; Karimian et al., 2019) اولین نظر توسط حافظ ابرو بیان شده که در ذکر انتقال شهر به «همید» (باغ بمید) بعد از خرابی قلعه‌سنگ توسط لشکریان تیمور آورده است: «...آنگاه قلعه سیرجان را خراب و شهر را به همید آوردند و حکم شد تا رعایا خانه‌های خراب را عمارت و بازارها احداث کنند و از سیرجان آنچه باقی مانده بودند، در همید متوطن گشتند» (Hafez-e Abrou, 1999) و کسانی مانند وزیر، باستانی پاریزی، حاتمی، وثوقی رهبری، غضنفرپور و امیرحاجلو نظر او را تکرار کرده‌اند که در این زمان یا اندکی بعد از آن شهر سیرجان جابه‌جا شده است. برخی از این نویسندگان مانند حاتمی به‌صراحت نظر به خرابی کامل شهر سیرجان در این زمان دارند و تأکید می‌کند که بعد از خرابی سیرجان توسط سپاه تیمور، شهری که زمانی جزء آبادترین شهرهای ایران بود، به کلی ویران و منهدم شد و هرگز روی آبادانی به خود ندید (Hatami, 2001) و کسانی مانند مورگان و لیثربای نیز براساس منابع مکتوبی مانند حافظ ابرو حیات این شهر را اندکی پس از تصرف آن توسط لشکر تیمور می‌دانند که بعد از آن نام سیرجان از تاریخ محو می‌شود (Morgan & Leatherby, 1987) سایکس نیز تقریباً هم‌نظر با حافظ ابرو است که به احتمال این مطالب را از او یا وزیر گرفته

ورجاوند طی بازدید قلعه‌سنگ، نوشته که این شهر در زمان حمله تیمور از شهرهای مهم و آبادان ایران بوده، ولی بر اثر نبردهایی که تیمور با بازماندگان آل مظفر، سیرجان لطمه شدیدی می‌بیند که دوباره بار دیگر رو به آبادانی می‌گذارد و برخی از قنات‌های آن لایه‌رویی و استفاده می‌شوند و تا پایان دوره صفویه و حمله افغان‌ها، مردم این شهر و ناحیه مورد تجاوز شدید قرار می‌گیرند و آبادی‌های آن ویران می‌شود. در اوایل دوره قاجار شهر کنونی سیرجان در آبادی سعیدآباد و محل کنونی آن در دوازده کیلومتری سیرجان کهن شکل می‌گیرد و تا به امروز به حیات خود ادامه می‌دهد (Varjavand, 1972).

خیراندیش، مؤید محسنی و سعیدیان نیز تقریباً گفته‌های ورجاوند را تکرار کرده‌اند (Kheirandish, 2005; Moayed, 1993; Saeidian, 1993; Mohseni, 1957). بختیاری آورده که پس از خرابی شهر سیرجان به دست تیمور، دوران انحطاط شهر سیرجان شروع شد؛ تا آنکه به کلی از قلم افتاد و همان دژ یا قلعه سیرجان و قسمتی از شهر قدیم تا سده دهم پایدار ماند و انهدام قطعی آن در عهد افغان‌ها بود (Bakhtiari, 1999). از چند جهت این نظرات قابل پذیرش نیست، یکی اینکه داده‌های باستان‌شناسی به دست آمده از محوطه قلعه‌سنگ مربوط به دوره صفوی بسیار ناچیز بوده و گویای استقرار شهری در این محوطه نیست و از طرف دیگر محوطه بسیار گسترده باغ بمید با وجود بیشترین داده‌های فرهنگی مربوط به دوره صفوی تأییدی است بر اینکه شهر سیرجان در این محل استقرار داشته است (Afzali & Ebrahimi Eedehlou, 2019). همچنین ویلیامسون در بررسی‌های خود از قلعه‌سنگ آورده که تعداد بسیار کمی سفال از سده‌های ۱۱ و ۱۲ ه.ق به دست آمد که نشان می‌دهد احتمالاً این محوطه به‌عنوان پناهگاهی در زمان حمله تا محلی برای استقرار دائمی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (Morgan & Leatherby, 1987). همه این دلایل نشان‌دهنده رد فرضیاتی است که معتقدند قلعه‌سنگ تا اواخر دوره صفویه سکونت داشته است (شکل ۱۳).

منابع مکتوب و هم داده‌های باستان‌شناسی حیات این قلعه و شهر را تا اواخر دوره صفوی رد می‌کند و از طرفی بزرگ‌ترین محوطه دشت سیرجان در این دوره باغ بمید است که جایگزین قلعه‌سنگ شده است (Afzali & Ebrahimi Eedehlou, 2019). در ارتباط با نظر دوم وزیری که هم‌نظر با حافظ ابرو است، علاوه بر دلایلی که برای رد این نظر در بالا ارائه شد، باید در اینجا افزود که این نظر وزیری مبنی بر بنای ساخت سعیدآباد بعد از تخریب قلعه‌سنگ قابل قبول نیست؛ زیرا این شهر در دوره قاجار بنا نهاده شده و خود وزیری نیز به آن پرداخته است (Vaziri, 1998) و این گفته‌های متفاوت نشان می‌دهد تناقض‌هایی در نوشته‌های او وجود دارد. مؤمن کرمانی و همت کرمانی نیز با نظر دوم وزیری هم‌عقیده هستند و آورده‌اند بعد از تخریب قلعه‌سنگ به سال ۷۹۴ ه.ق مردم به باغ بمید در سه فرسخی قلعه سنگ منتقل شدند و شهر کنونی در همین محل بنا نهاده شده است و بنای اولیه آن را مربوط به سده نهم ه.ق دانسته‌اند (Hemmat Kermani, 2005; Mo'men Kermani, 1991).

در نقد این نظر باید گفت این دو باغ بمید و سعیدآباد دوره قاجار را یکی دانسته‌اند که باید بین این دو مکان تفاوت قائل شد؛ زیرا باغ بمید در سه کیلومتری شمال غربی سعیدآباد قرار داشته و محلی بوده که بعد از قلعه‌سنگ به‌عنوان سومین مرحله شهری سیرجان در دوره صفوی انتخاب می‌شود، اما سعیدآباد در دوره قاجار بنا نهاده شده و به سرعت رشد کرده و در دوره قاجار به‌عنوان مرکز ولایت سیرجان درآمد (Karimian et al., 2019). بنابراین نظر این دو تاریخ‌نگار در ارتباط با پایه‌گذاری شهر کنونی سیرجان از سده نهم ه.ق به کلی مردود است. باستانی پاریزی نیز با عنوان شهری جابه‌جا می‌شود به انتقال شهر به باغ بمید براساس گفته‌های حافظ ابرو پرداخته و آورده باغ بمید امروز مرکز شهر سیرجان است و شهر فعلی بعد از انتقال مردم از قلعه‌سنگ به این مکان به وجود آمد (Bastani Parizi, 1986). در بالا دلایل رد این نظر ارائه شد و نکته‌ای که باید در اینجا افزود این است که باغ بمید در دوره قاجار از روستاهای حومه‌ای سعیدآباد بوده است.

جدول ۲. گاه‌نگاری و مقایسه سفال‌های محوطه‌های قلعه‌سنگ و باغ بمید

شماره	گونه	محل مورد مقایسه	تاریخ‌گذاری	منبع
۱۶	آبی و سفید	یزد	۹ ه.ق	(Mir Khalili, 2011)
۱۷	آبی و سفید	تبریز، جنوب ایران	۸-۹ ه.ق	(Priestman, 2013; Van'T Klooster, 2011)
۱۸	آبی و سفید	تبریز- یزد- شرق ایران	۹ ه.ق	(Mir Khalili, 2011; Van'T Klooster, 2011; Watson, 2004)
۱۹	آبی و سفید	یزد، جنوب ایران	۸-۹ ه.ق	(Mir Khalili, 2011; Priestman, 2013)
۲۰	آب و سفید	یزد	۹ ه.ق	(Mir Khalili, 2011)
۲۱	آبی و سفید	یزد- اردبیل	۹-۱۰ ه.ق	(Mir Khalili, 2011; Pope, 1956)
۲۲	آبی و سفید	یزد	۱۰-۱۱ ه.ق	(Mir Khalili, 2011)
۲۴	آبی و سفید	غبیرا- یزد	۱۰-۱۱ ه.ق	(Bivar et al., 2000; Mir Khalili, 2011)
۲۵		ایران	۱۰ ه.ق	(Watson, 2004)
۲۶	آب و سفید	غبیرا- یزد	۱۰-۱۱ ه.ق	(Bivar et al., 2000; Mir Khalili, 2011)
۲۷	آبی و سفید	کرمان- یزد اردبیل	۱۰-۱۱ ه.ق	(Golombek, 2003; Mir Khalili, 2011; Pope, 1956)
۲۸	آبی و سفید	غبیرا	۱۰-۱۱ ه.ق	(Bivar et al., 2000)
۲۹	آبی سفید	کرمان	۱۰-۱۱ ه.ق	(Golombek, 2003)
۳۰	رنگارنگ	ایران	۱۰ ه.ق	(Watson, 2004)
۳۱	رنگارنگ	کرمان- غبیرا	۱۰-۱۱ ه.ق	(Bivar et al., 2000; Golombek, 2003; Van'T Klooster, 2011)
۳۳	کوبچه	ایران، الموت	قرن ۱۰ ه.ق	(Mahjoor, 2008; Watson, 2004)
۳۴	کوبچه	الموت	قرن ۱۰-۱۱ ه.ق	(Mahjoor, 2008)

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی باید گفت که شهر سیرجان از زمان شکل‌گیری تاکنون چهار بار جابه‌جا شده است. نظرات مختلفی در ارتباط با شهر سیرجان، شکل‌گیری، افول و جابه‌جایی‌های آن وجود دارد و از طرف دیگر نتایج جدید باستان‌شناسی و منابع مکتوب به‌طور منطقی و واضح ابهامات ایجاد شده در این زمینه را برطرف می‌کند. بر پایه داده‌های سفالی اولین سکونتگاه در ارتباط با شهر سیرجان در محوطه شهر قدیم به احتمال به دوره اشکانی می‌رسد و این خود در رد نظر امیرحاجلو است که شکل‌گیری شهر سیرجان را در دوره ساسانی و در اطراف شاه‌فیروز و قلعه علی‌آباد ذکر کرده است. این شهر در دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی به‌عنوان مرکز ایالت کرمان و در دوره سلجوقی نیز یکی از شهرهای مهم این منطقه بوده و قلعه‌سنگ در این زمان ارگ

حکومتی آن در بیرون شهر قرار داشته است؛ بنابراین نمی‌توان نظر حاتمی و ویلیامسون را درباره بی‌رونق شدن این شهر در دوره سلجوقی پذیرفت. در ارتباط با موقعیت دوم شهر سیرجان در حول محور قلعه‌سنگ در قرون میانی نظرات مختلفی ارائه شده که به سه گروه کلی تقسیم می‌شوند. گروه ۱. انتقال از قلعه‌سنگ به باغ بمید بعد از تصرف توسط لشکریان تیمور یا کمی بعد از آن (حافظ ابرو، وزیر، سایکس، باستانی پاریزی، مورگان و لیثربای، وثوقی رهبری، غضنفرپور و امیرحاجلو)، گروه ۲. رونق قلعه‌سنگ و شهر سیرجان تا اواخر دوره صفویه و تخریب و متروک شدن با حمله افغان‌ها (وزیری، ورجاوند، خیراندیش، سعیدیان، مؤیدمحمسنی و بختیاری)، گروه ۳. متروک شدن شهر سیرجان و قلعه‌سنگ در سال ۷۹۶ ه.ق و شکل‌گیری شهر

منابع دربارهٔ این شهر کم است، داده‌های باستان‌شناسی به کمک آمده و نشان می‌دهند که در بسیاری از مواقع می‌توان براساس آن‌ها خلأهای مطالعاتی را پر کرد.

سپاسگزاری

حمایت‌کننده مالی این پژوهش شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر سیرجان است. نگارنده بر خود لازم می‌داند مراتب سپاس و قدردانی خود را از زحمات و حمایت‌های همه‌جانبه و بی‌دریغ مسئولان شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر سیرجان، به‌ویژه مدیریت و معاونت پشتیبانی وقت جناب آقای دکتر محمد حاتمی در پیش بردن طرح بررسی سیرجان (تأمین مالی و اسکان اعضای هیئت) داشته باشد؛ زیرا بدون کمک و همراهی مسئولان این شرکت این طرح به سرانجام نمی‌رسید، امید آنکه بیش از پیش موفق و مؤید باشند.

منابع مالی

وجود ندارد.

تعارض منافع

وجود ندارد.

سیرجان در محل امروزی در سدهٔ ۹ ه.ق (مؤمن کرمانی و همت کرمانی) که برای رد این نظرات بالا این دلایل را می‌توان براساس بررسی منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی بیان داشت: ۱. نام‌بردن از شهر سیرجان و قلعهٔ آن در منابع دست اول از سال ۷۹۸ تا ۸۸۴ ه.ق به فراوانی به مدت ۸۶ سال بعد و به دست آمدن سکه، سفال‌های آبی و سفید و کاشی‌های معرق دورهٔ تیموری از محوطهٔ قلعه‌سنگ نشان از حیات این محوطه تا اواخر سدهٔ ۹ ه.ق دارد. ۲. سکوت منابع مکتوب و به دست آمدن داده‌های بسیار کم منسوب به دورهٔ صفوی و قاجار از محوطهٔ قلعه‌سنگ. ۳. شناسایی محوطهٔ ۳۰۰ هکتاری باغ بمید به‌عنوان مهم‌ترین محوطهٔ دورهٔ صفوی دشت سیرجان و به دست آمدن داده‌های متنوع از آن مربوط به این دوره و جایگزین شدن باغ بمید به‌عنوان شهر سیرجان (در موقعیت سوم) به‌جای قلعه‌سنگ (در موقعیت دوم) در دورهٔ صفوی، ۴. حملهٔ افغان‌ها و از رونق افتادن باغ بمید و شکل‌گیری سعیدآباد (موقعیت چهارم) و توسعه و رونق این شهر در دورهٔ قاجار به‌عنوان مرکز ولایت سیرجان؛ بنابراین با توجه به واریسی دقیق منابع و مطابقت آن‌ها با داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی مشخص شد داده‌های باستان‌شناسی هم‌پوشانی بسیار خوبی با منابع مکتوب در زمینهٔ تحولات شهری سیرجان دارند و جایی که اطلاعات

References

- Abd-al-Razzaq Samarqandi, K. (2004). *Matla-us-Sadain & Majma-ul-Bahrain* (N. A, Ed. Vol. 2). Tehran: Motaleate Farhangi.
- Abu Rayhan al-Biruni, M. (1975). *Tahdid Nahayat al-Amaken Letashih Masafat al-masaken* (A. A, Trans.). Tehran: Tehran University.
- Afzali, Z. (2018). *Course of Spatial Developments of Sirjan during Islamic Period, These PhD* University of Tehran.
- Afzali, Z., & Ebrahimi Edehlou, A. (2019). *Report on the evolution of Sirjan Plain in the Islamic Period and ways of communication* 17th Annual Archaeological Conference.
- Afzali, Z., Khanmoradi, M., & Karimaian, H. (2019). *Tall Qaleh -Ostur: Settlement from Sasanian to Islamic period in Sirjan Plai* International Congress of Young Archaeologists,



- Al-Idrisi, M. (2009). *Nuzhat Al-Mushtaq* (A. A, Trans.). Tehran: Iranology.
- Al-Maqdisi. (2006). *Ahsan al-taqasim fi marefat al-aqalim* (M. A, Trans.). Tehran: Komesh.
- Alden, J. R., & Balcer, J. M. (1978). Excavations at Tal-i Malyan. *Iran*, 16(1), 79-92.
- Amirhajloo, S., & Sedighian, H. (2020). Archaeological Research on Islamic Pottery from Qal' eh Sang, Old Sirjan (Kerman province, Iran). *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 10(25), 155-180.
- Azarnoush, M. (1994). *The Sasanian Manor House at Hajiabad*. Iran, Florence.
- Babamir Satahi, S., & Hashemi, F. (2016). *Introduction of Sassanid pottery in Chaharmahal and Bakhtiari (Farsan)* National Conference on Archeology and the art of pottery.
- Bakhtiari, A. A. (1999). *Sirjan in the Mirror of Time*. Kerman: Kermanshenasi.
- Bastani Parizi, M. (1986). *Shah Mansour*. Tehran: Chakameh.
- Bastani Parizi, M. (1988). *Asiyaye Haft Sang*. Tehran: Donyaye Ketab.
- Bastani Parizi, M. (1998). *Hasht Ulfat*. Bija: Azroush.
- Bivar, A. D. H., Fehervari, G., Baker, P. L., Errington, N., Shokoohy, M., Errington, E., & Tyler-Smith, S. (2000). *Excavations at Ghubayrā*. School of Oriental & African Studies.
- Choobak, H. (2005). *Cultural Period in Jaz-Morian, Islamic Period in Ancient Jiroft, These PhD* Tarbiat Modarres University.
- Choobak, H. (2012). Pottery of the Islamic period of the ancient city of Jiroft. *Archaeological Studies*, 4(1), 83-112.
- Ghazanfarpour, H. (1997). *The role of population in the physical development of Sirjan* University of Isfahan.
- Golombek, L. (2003). The Safavid ceramic industry at Kirman. *Iran*, 41(1), 253-270.
- Grube, J. E. (2005). *Islamic pottery* (F. Haeri, Trans.). Tehran: Karang.
- Hafez-e Abrou, A. (1999). *Geography of Hafez Abrou* (Vol. II). Tehran: Ayene Miras.
- Hafez-e Abrou, A. (2001). *Zubdat al- Tawarikh* (Vol. 2. 3. 4). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Hamawi, Y. (1995). *Mo'jam al-buldan*. Beirut: Dar-e Sader.
- Hatami, A. (2001). *Old Sirjan: the Center of Industry and Islamic Art*. Kerman: Kermanology.
- Hemmat Kermani, M. (1991). *Tarikh Mofasale Kerman*. Tehran: Malek Ashtar.
- Istakhri. (1994). *Masalik & al-Mamalik* (M. Tostari, Trans.). Tehran: Moghofate Afshare Yazdi.
- Karimian, H., Poorahmad, A., & Afzali, Z. (2019). The course of spatial developments in the city of Sirjan in the Islamic Period based on archaeological evidence and written historical sources. *Iranian and Islamic Cities*, 10 (38), 53-69.
- Katbi, M. (1985). *History of Al-e Mozzafar* (A. H. Navaee, Ed.). Tehran: Amirkabir.
- Kermani, A. a.-D. (1947). *Badayeh o-Zaman Fi Vaghayeh Kerman*. Tehran: University of Tehran.
- Kermani, A. a.-D. (1978). *Aghd Al ala Lel Moghefe Al ahla*. Tehran: Ruozbehan.
- Kheirandish, M. (2005). *Sirjan in raw clay*. Kerman: Kermanshenasi.
- Khordadbeh, I.-e. (1992). *Masalek & al-Mamalek* (K. S, Trans.). Tehran: Mirase Melall.
- Khosrowzadeh, A., Nourzadeh Chegini, N., & Nazari, S. (2020). Description, Classification and Typology of Excavated Parthian Pottery from the Second Seasons of Qal'eh-I Yazdigir's Excavations. *Motaleat Bastanshenashi*, 12 (1), 117-137.
- Le Strange, G. (2006). *The Lands of the eastern Caliphate* (M. Erfan, Trans.). Tehran, Elmi va Farhangi.
- Mafi, F., Behina, A., & M, B. (2009). Description, classification and typology of Parthian pottery in Qorveh city (Kurdistan). *Payam Bastanshenas*, 6(12), 85-104.

- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=216690>
- Mahjoor, F. (2008). *Study of Kubachi Pottery, Thesis in Archeology* University of Tehran]. Faculty of Literature and Humanities.
- Marashi Safavi, M. (1983). *Majma-ol-Tavarikh* (A. Eqbal, Ed.). Tehran: Tahuri & Sanai.
- Mehr Afarin, R., Alizadeh, F., & Shirazi, R. (2013). Parthian Pottery of Mokran and its Similarity with Neighbor Regions. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 2(3), 7-24.
- Meskawayh, A. (1997). *Tajarib al-umam* (A. Monzavi, Trans.; Vol. 6). Tehran: Tous.
- Mirkhalili, S. (2011). *Study of Blue and White Potteries Discovered from the Historical Contexture of Yazd, Theses M.A Archaeology* University of Sistan & Baluchestan.
- Mo'men Kermani, M. (2005). *Sahifa al-Ershad*. Tehran: Nashere Elm.
- Moayed Mohseni, A. (1975). *History of Sirjan and Qale-h-Sang*. Farhange Sirjan.
- Mohammadifar, Y., & Tahmasebi, E. (2015). The Typology of Sassanid Pottery of Seymareh Valley, Case Study: Qale'h-ye Seyrom Shah. *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran*, 4(7), 133-152.
- Monshi Kermani, K. (2012). *Geography of Kerman province in the Nasiri period* (M. Nikpour, Ed.). Tehran: Markaze Asnad Ketsabkhane Meli.
- Monshi Kermani, N. (2015). *Samat-al-ola lel hazrat-al-olia* (M. Mirshamsi, Ed.). Tehran: Nashere Sokhan.
- Montazer Zohori, M. (2015). *The city of Ardeshir Khoreh in the transition from the Sassanids to the Islamic centuries, PhD thesis* University of Tehran.
- Morgan, P., & Leatherby, J. (1987). Excavated ceramics from Sirjan. *Syria and Iran: three studies in medieval ceramics, Oxford Studies in Islamic Art IV, Oxford, Oxford University Press, Allan JW, Roberts C*, 23-174.
- Mustawfi, H. (2017). *Nozhhat al-qolub*. Tehran: Safire Ardehal.
- Pope, J. A. (1956). *Chinese Porcelaons from Ardebil shrine*. Gallery of Art Washington.
- Priestman, S. (2013). *A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean, AD c.400 – 1275*, Unpublished PhD Thesis Centre for Maritime Archaeology, University of Southampton.
- Roustaei, M. S. (2013). *Study of the Parthian Period Potteries Samples in Iranian Sistan, The Disseration of M.A. in Archaeology* University of Sistan & Baluchestan.
- Rouzbehaneh Esfahani, F. (2003). *Alam Arai Amini* (M. A. Ashiq, Ed.). Tehran: Mirase Maktoub.
- Rumlu, H. (1970). *Ahsan Al-Tawarikh* (A. Navai, Ed.). Tehran: Tarjome & Nashre Ketab.
- Saeidian, A. (1993). *Land and People of Iran*. Tehran: Ferdowsi.
- Salimi, S., Heidari, R., & Fallahian, Y. (2020). An Introduction, Description and Classification of Parthian Pottery from Tepe Balan, Sardasht, First Season. *Journal of Archaeological Studies*, 12(2), 83-106.
- Sohrabinya, A. (2018). *Archaeological Study of Ilkhanid Potteries Old City of Sirjan, Master Thesis* University of Mazandaran.
- Sykes, P. M. (1902). Historical Notes on South-East Persia. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 939-950.
- Sykes, S. P. (1957). *The Travelogue or ten thousand miles in Persia* (H. Sa'adat Noori, Ed.). Tehran: Ibn-e Sina.
- Tarikh- i- Shahi. (1977). (M. Bastani Parizi, Ed.). Tehran: Bonyade Farhange Iran.
- Tatavi, Q. A. (1999). *Tarikh Alfi* (A. Al-Dawood, Ed.). Tehran: Fekr Rouz.
- Tusi Hamedani, M. (2003). *Aja'ib al-Makhlukat & Qaraebo al-Mojodat*. Tehran: Elmi & Farhangi.
- Van'T Klooster, A. (2011). Islamic'Porcelain': Examples from the Rijksmuseum Collection. *The Rijksmuseum Bulletin*, 59(1), 74-87.
- Varjavand, P. (1972). Qaleh Sang and its Stone Fire-Altar. *Barrasiha-ye Tarikhi*, 40, 101-132.



- Vaziri, A. A. (1973). *History of Kerman*. Tehran: Ibn-e Sina.
- Vaziri, A. A. (1998). *Geography of Kerman*. Tehran: Anjomane Asar & Mafakhere Farhangi.
- Vosoughi Rahbari, A. (1993). *History of Sirjan*. Kerman: Kermanshenasi.

- Watson, O. (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. London: Thames and Hodson.
- Yazdi, T. H. (1987). *Jami'-Al-Tawarikh-I Hasani*. Karachi: Research in Central and Western Asian Sciences and the University of Karachi.
- www.research.britishmuseum.org.

